



مؤلفه های ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سید ابوالفضل موسوی زاده^۱، معصومه احمدی^۲

۵

دوره ۲، شماره ۲، پیاپی ۵
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۵/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۶/۱۶

صص: ۸۵-۱۰۱

شاپا الکترونیکی: ۳۱۱۵-۸۸۶۲



چکیده

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از اسناد راهبردی ناظر بر افق آینده انقلاب اسلامی است که مرحله پیش رو را در چارچوب خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی تبیین می کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین مؤلفه های «ایران قوی» در این بیانیه، با تأکید بر مبانی قرآنی، انجام شده است. مسئله پژوهش آن است که مضامین ناظر بر توانمندی، اقتدار و پیشرفت کشور در بیانیه گام دوم کدام اند و چه پیوند مفهومی میان آن ها برقرار است. پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی با رویکرد تحلیل مفهومی - موضوعی است. داده ها به شیوه کتابخانه ای و اسنادی گردآوری شده و متن بیانیه گام دوم، آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و منابع علمی مرتبط، مبنای تحلیل قرار گرفته اند. یافته ها نشان می دهد «ایران قوی» عنوانی تحلیلی برای سازمان دهی مضامین بیانیه است، نه عنوانی رسمی در ساختار آن. مؤلفه های استخراج شده شامل علم و پژوهش، اقتصاد مولد، عدالت و مبارزه با فساد، معنویت و اخلاق، هویت دینی، استقلال، آزادی، عزت ملی، نقش آفرینی جوانان و افق تمدن نوین اسلامی است. در این منظومه، معنویت، اخلاق و هویت دینی نقش جهت دهنده؛ علم و اقتصاد نقش توانمندساز؛ عدالت، مبارزه با فساد و سازوکارهای اجتماعی نقش تنظیم کننده؛ و جوانان نقش پیشران و آینده ساز دارند. مبانی قرآنی نیز پیوند علم با بصیرت، اقتصاد با آبادانی و عدالت، عدالت با اقامه قسط، معنویت با تزکیه، استقلال با نفی سلطه و عزت، و تحول اجتماعی با خودسازی و مسئولیت پذیری را تأیید می کند. بر این اساس، ایران قوی منظومه ای از ظرفیت های مادی و معنوی است که هماهنگی آن ها می تواند زمینه پیشرفت، اقتدار ملی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد.

کلیدواژه ها: ایران قوی، بیانیه گام دوم، انقلاب اسلامی، قدرت ملی، قرآن.



DOI: 10.22034/syssir.2026.2104710.1033

استناد: موسوی زاده، سید ابوالفضل و احمدی، معصومه (۱۴۰۵). مؤلفه های ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی،

پژوهش های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی (مطالعات علم و فناوری)، ۲(۵)، ۸۵-۱۰۱.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول)

mosaviqom251@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآنی، کرمانشاه، ایران

مقدمه

قدرت و اقتدار ملی صرفاً از میزان منابع مادی، وسعت سرزمینی یا توانایی‌های سخت ناشی نمی‌شود؛ بلکه به ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی، اجتماعی و نهادی یک کشور برای شناخت مسائل، تصمیم‌گیری صحیح، اجرای سیاست‌ها و بسیج امکانات در جهت مصالح عمومی نیز وابسته است. از این منظر، حکمرانی بخشی از توان درونی کشور برای سازمان‌دهی و به‌کارگیری ظرفیت‌ها به‌شمار می‌آید و مؤلفه‌هایی چون قانون‌مداری^۱، پاسخ‌گویی^۲، مشارکت^۳، کارآمدی نهادی^۴ و تنظیم سازنده رابطه دولت و مردم در کیفیت آن اثرگذارند. بنابراین، تحلیل قدرت ملی، افزون بر توجه به منابع و امکانات، مستلزم بررسی چگونگی سازمان‌دهی، هدایت و بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در مسیر پیشرفت کشور است (ره‌نورد، ۱۳۸۶). از منظر قرآن کریم، توانمندی جامعه تنها در برخورداری از امکانات ظاهری خلاصه نمی‌شود؛ بلکه ایمان، علم، عدالت، استقامت، همبستگی و آمادگی در برابر تهدیدها نیز در قوام و پایداری جامعه اسلامی نقش دارند. آیه «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)، بر ضرورت فراهم‌آوردن توان و آمادگی دلالت دارد و آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) تحول اجتماعی را با اصلاح درونی افراد و جوامع مرتبط می‌سازد. بر این اساس، قدرت در منطق قرآنی، مفهومی صرفاً مادی و ابزارمحور نیست؛ بلکه با توان اخلاقی، معرفتی، اجتماعی و مدیریتی جامعه نیز پیوند دارد.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با مرور تجربه چهل‌ساله جمهوری اسلامی، افق حرکت انقلاب در مرحله جدید را ترسیم کرده است. در این بیانیه، ورود انقلاب به دومین مرحله خودسازی^۵، جامعه‌پردازی^۶ و تمدن‌سازی^۷ مطرح و جوانان به‌عنوان مخاطبان اصلی و نیروهای پیش‌برنده این مرحله معرفی شده‌اند. همچنین، موضوعاتی چون علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و سبک زندگی در قالب توصیه‌های اساسی بیان شده‌اند (رهبر شهید، ۱۳۹۷). «ایران قوی» در این پژوهش، عنوان یک چارچوب تحلیلی

1 Rule of Law

2 Accountability

3 Participation

4 Institutional Effectiveness

5 Self-development

6 Society-building

7 Civilization-building

است که برای بررسی و سازمان‌دهی دلالت‌های بیانیۀ گام دوم دربارهٔ پیشرفت، اقتدار و توانمندی کشور به کار می‌رود. از این‌رو، این اصطلاح به‌منزلهٔ عنوان رسمی یا بخش مستقلى از بیانیۀ تلقی نمی‌شود و پژوهش نیز درصدد تحمیل تعریف یا طبقه‌بندی از پیش ساخته بر متن نیست. مقصود آن است که روشن شود ظرفیت‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی مورد تأکید در بیانیۀ چگونه می‌توانند در شکل‌گیری توان ملی با یکدیگر پیوند یابند. در این میان، جایگاه جوانان و کیفیت حضور آنان در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از ابعاد مهم مسئله است. امینی سابق و همکاران (۱۳۹۸) مسئولیت اجتماعی جوانان را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی - سیاسی، قانونی، معنوی - اخلاقی و نوع‌دوستانه بررسی کرده و رابطهٔ آن را با عناصری از حکمرانی خوب، از جمله مشارکت، پاسخ‌گویی، عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد، حاکمیت قانون و کارایی، نشان داده است. باین‌حال، این پژوهش صرفاً در توضیح پیوند میان مسئولیت اجتماعی جوانان و حکمرانی سودمند است و مبنای تعیین پیشینی مؤلفه‌های ایران قوی قرار نمی‌گیرد (امینی سابق و همکاران، ۱۳۹۸).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی جوانان تنها به مشارکت رسمی یا فعالیت سیاسی محدود نیست؛ بلکه تعهد نسبت به خود، خانواده، دیگران، جامعه و محیط زندگی را نیز دربر می‌گیرد. در نگرش اسلامی، مسئولیت‌پذیری با تکلیف اخلاقی، رعایت حقوق دیگران و اهتمام به خیر عمومی ارتباط دارد. قرآن کریم مؤمنان را به تعاون در امور نیک و پرهیزگاری فرا می‌خواند: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲). چنین نگرشی می‌تواند زمینهٔ تقویت کنش جمعی، همیاری اجتماعی و احساس تعهد نسبت به سرنوشت جامعه را فراهم سازد. باین‌حال، تبدیل این ظرفیت اخلاقی به نتایج عمومی، افزون بر تربیت افراد مسئولیت‌پذیر، نیازمند وجود سازوکارهای قانونی، مدیریتی و نهادی مناسب است؛ از این‌رو، باید میان مسئولیت اخلاقی افراد و شرایط نهادی تحقق آن تمایز برقرار کرد (حاجی‌زاده، ۱۳۹۳). در سطح نهادی، حکمرانی مطلوب با کیفیت اعمال قدرت عمومی، رعایت حقوق مردم، پاسخ‌گویی کارگزاران، اجرای قانون و مواجهۀ عادلانه با شهروندان ارتباط دارد. عدالت در این چارچوب، صرفاً یک ارزش ذهنی یا انتزاعی نیست، بلکه باید در فرایند تصمیم‌گیری، توزیع فرصت‌ها، نظارت بر عملکرد مسئولان و مقابله با فساد بازتاب یابد. قرآن کریم نیز بر اقامۀ قسط به‌عنوان یکی از اهداف بنیادین رسالت پیامبران تأکید می‌کند: «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). بنابراین، توجه به عدالت، شفافیت، قانون‌مداری و

پاسخ‌گویی در تحلیل توانمندی کشور، صرفاً برگرفته از ادبیات جدید حکمرانی نیست، بلکه با مبانی دینی و قرآنی نیز سازگاری دارد (سردارنیا، ۱۳۹۳).

بیان مسئله

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از اسناد مهم ناظر بر جهت‌گیری آینده جمهوری اسلامی ایران است. این بیانیه، با مرور کارنامه چهل‌ساله انقلاب، مرحله پیش‌رو را در افق خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی مطرح می‌کند و جوانان را مخاطبان اصلی و نیروهای مؤثر در پیش‌برد این مسیر می‌داند. علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی، روابط خارجی و سبک زندگی نیز از محورهای صریح آن به‌شمار می‌آیند (رهبر شهید، ۱۳۹۷). اهمیت پرداختن به این مسئله از آن روست که پیشرفت و توانمندی کشور تنها به وجود منابع مادی، ظرفیت‌های اقتصادی یا دستاوردهای علمی وابسته نیست، بلکه با کیفیت سرمایه انسانی، اعتماد، مسئولیت‌پذیری، مشارکت اجتماعی و کارآمدی نهادها نیز ارتباط دارد. نتایج پژوهش عابدینی و غفاری زنوزی (۱۳۹۵) نشان داد که مسئولیت‌پذیری و اعتماد را می‌توان از عناصر مؤثر در ظرفیت انسانی و نهادی جامعه دانست؛ اما نمی‌توان آن‌ها را بدون تحلیل متن بیانیه، مؤلفه‌های قطعی و نهایی ایران قوی به‌شمار آورد. ازاین رو، جایگاه این مضامین باید در پرتو متن بیانیه و مبانی قرآنی مرتبط با آن تبیین شود.

در سطح نهادی، کیفیت حکمرانی از زمینه‌های مهم در فهم توانمندی و پیشرفت کشور است. ادبیات حکمرانی خوب بر عناصری چون پاسخ‌گویی، شفافیت، مشارکت، حاکمیت قانون، عدالت، اثربخشی و نظارت‌پذیری تأکید می‌کند. نهادهای عمومی در این چارچوب، افزون بر اجرای سیاست‌ها، وظیفه فراهم کردن امکان مشارکت، تضمین رعایت حقوق عمومی، پاسخ‌گویی نسبت به عملکرد و اجرای منصفانه قانون را بر عهده دارند. با وجود این، نباید یک الگوی کامل حکمرانی را مستقیماً به بیانیه گام دوم نسبت داد؛ بلکه هرگاه مضامینی چون عدالت، مبارزه با فساد، نقش مردم، کارآمدی یا مسئولیت مسئولان در بیانیه مطرح است، می‌توان آن‌ها را در نسبت با ادبیات حکمرانی و آموزه‌های قرآنی بررسی کرد. آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ» (نساء: ۵۸) نیز بر پیوند امانت‌داری، مسئولیت در اداره امور و عدالت دلالت دارد (رهنورد، ۱۳۸۶).

از سوی دیگر، نسبت علم و فناوری با حل مسائل اقتصادی و اجتماعی، یکی از موضوعات اساسی در بررسی توانمندی ملی است. در ادبیات رشد درون زاء، دانش، نوآوری و انباشت سرمایه انسانی از عوامل مؤثر در رشد بلندمدت معرفی می‌شوند؛ زیرا تولید دانش و تحول فناورانه می‌تواند ظرفیت تولید و بهره‌وری را افزایش دهد (رومر، ۱۹۹۰). در بیانیه گام دوم نیز علم و پژوهش جایگاهی برجسته دارد؛ اما تحلیل آن نباید به طرح کلی ضرورت آموزش عالی یا افزایش تولیدات علمی محدود شود. مسئله آن است که علم در منظومه بیانیه چه نسبتی با نوآوری، تولید، خودباوری، استقلال و حل مسائل واقعی کشور دارد. این نسبت، باید از دلالت‌های متن بیانیه استنباط و با توجه به مبانی قرآنی علم و تعقل تبیین شود؛ چنان که قرآن کریم بر منزلت دانش و تمایز اهل علم از ناآگاهان تأکید می‌کند (زمر: ۹).

مضامینی مانند معنویت،^۱ اخلاق،^۲ عدالت، مسئولیت‌پذیری و عزت در تحلیل ظرفیت‌های اجتماعی و تمدنی کشور اهمیت دارند. در دیدگاه اسلامی، مسئولیت‌پذیری به وظایف فردی محدود نیست و تعهد نسبت به دیگران، جامعه و خیر عمومی را نیز دربر می‌گیرد. همچنین، پیشرفت در منطق دینی نمی‌تواند از تزکیه، کرامت انسانی و رعایت حقوق مردم جدا شود. قرآن کریم هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) را در کنار تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه انسان‌ها معرفی می‌کند (جمعه: ۲). از این رو، در تحلیل بیانیه گام دوم، مضامین معنوی و اخلاقی نباید صرفاً در سطح توصیه‌های فردی فهم شوند؛ بلکه باید نسبت احتمالی آن‌ها با عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری عمومی، سلامت مدیریتی و پیشرفت جامعه تبیین گردد. بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که: مؤلفه‌های ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، با تأکید بر مبانی قرآنی، کدام‌اند و میان این مؤلفه‌ها چه پیوند مفهومی برقرار است؟ پژوهش حاضر می‌کوشد بدون تحمیل الگوی ازپیش‌ساخته بر بیانیه، دلالت‌های مرتبط با توانمندی، پیشرفت، عدالت، استقلال، علم، معنویت، اخلاق و نقش جوانان را بررسی کند و نسبت آن‌ها را در قالب منظومه مفهومی ایران قوی تبیین نماید.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مربوط به قدرت ملی عمدتاً به شناسایی ظرفیت‌ها و منابعی پرداخته‌اند که زمینه‌ساز اقتدار، استقلال و توان اثرگذاری کشورها هستند. ستایش‌منش در بررسی سرچشمه‌های قدرت ملی،

1 Spirituality

2 Ethics

مؤلفه‌هایی مانند موقعیت جغرافیایی، توان نظامی، ظرفیت اقتصادی، توان علمی، ساختار سیاسی و ظرفیت‌های اجتماعی و فرهنگی را از منابع قدرت کشورها معرفی می‌کند. اهمیت این دیدگاه در آن است که قدرت ملی را به ابزار نظامی یا توان اقتصادی فرو نمی‌کاهد و بر چندساحتی بودن آن تأکید می‌ورزد. با این حال، پژوهش مزبور درصدد تحلیل مبانی ارزشی و قرآنی قدرت ملی یا بررسی دلالت‌های بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی برای فهم مؤلفه‌های اقتدار کشور نبوده است (ستایش منش، ۱۴۰۲).

در حوزه پیشرفت اسلامی - ایرانی، علی‌پور و پوررشیدی با تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پیوند میان مبانی دینی، فرهنگ، عدالت، علم، اقتصاد و سیاست را برجسته کرده‌اند. براساس این مطالعه، پیشرفت در اندیشه اسلامی - ایرانی به رشد اقتصادی یا توسعه زیرساختی محدود نیست، بلکه با ارزش‌ها، آرمان‌ها، هویت فرهنگی و نیازهای واقعی جامعه ارتباط دارد. این پژوهش در تبیین چندبعدی بودن پیشرفت سودمند است؛ اما متن مورد بررسی آن، سند اولیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است و نه بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. افزون بر این، در آن پژوهش، نسبت میان مؤلفه‌های پیشرفت و مبانی قرآنی آن‌ها به صورت مستقل بررسی نشده است (علی‌پور و پوررشیدی، ۱۳۹۹).

درویشی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی پیرامون سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی، نقش سیاست‌ها و عملکرد نهادهای عمومی را در تقویت یا تضعیف اعتماد اجتماعی بررسی کرده‌اند. این پژوهش نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی فقط به ویژگی‌های فرهنگی یا روان‌شناختی افراد محدود نیست و با کیفیت اداره امور عمومی و عملکرد نهادهای مسئول نیز ارتباط دارد. از منظر پژوهش حاضر، این یافته اهمیت دارد؛ زیرا تحقق اقتدار و پیشرفت ملی بدون اعتماد، همبستگی، مشارکت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی دشوار خواهد بود. با این حال، قلمرو موضوعی این مطالعه، سیاست‌های فرهنگی و هنری است و نه تحلیل مفاهیم اقتدار، عدالت و جامعه‌پردازی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

بررسی منابع نشان می‌دهد که مطالعات پیشین، معمولاً یک بُعد از مسئله را بررسی کرده‌اند؛ برای نمونه، برخی بر قدرت ملی، برخی بر پیشرفت اسلامی - ایرانی، برخی بر سرمایه اجتماعی و برخی بر نقش جوانان تمرکز داشته‌اند. در منابع بررسی‌شده، پژوهشی که با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تأکید بر مبانی قرآنی، مؤلفه‌های ایران قوی را از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی استخراج

و پیوند مفهومی آن‌ها را تبیین کند، مشاهده نشد. از این رو، مسئله پژوهش حاضر آن است که مؤلفه‌های ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی کدام‌اند و این مؤلفه‌ها، با توجه به مبانی قرآنی، چه نسبتی با یکدیگر دارند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام می‌شود. متن رسمی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، منبع اصلی پژوهش است و آیات قرآن کریم، تفاسیر معتبر و منابع علمی مرتبط، برای تبیین مبانی قرآنی و توضیح مفاهیم به کار می‌روند. روش تحلیل در این پژوهش، تحلیل مفهومی - موضوعی است. بدین معنا که ابتدا مضامین اصلی بیانیه گام دوم درباره علم، اقتصاد، عدالت، مبارزه با فساد، معنویت، اخلاق، استقلال، آزادی، جوانان، خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی بررسی می‌شود. سپس، هریک از این مضامین با مفاهیم و آموزه‌های مرتبط قرآنی مقایسه و تبیین می‌گردد. مقصود از این تحلیل، شمارش واژگان یا سنجش فراوانی مفاهیم نیست؛ بلکه کشف ارتباط‌های معنایی میان مؤلفه‌های مطرح‌شده در بیانیه و مبانی قرآنی آن‌هاست. در این مقاله، اصل بر آن است که هر ادعا درباره مفاد، جهت‌گیری و تأکیدهای بیانیه گام دوم، مستند به متن بیانیه باشد. همچنین، هر ادعا درباره مبانی دینی و قرآنی مفاهیم، باید بر آیات قرآن کریم و منابع تفسیری معتبر تکیه کند. بدین‌سان، از یک‌سو بیانیه به‌عنوان متن اصلی تحلیل حفظ می‌شود و از سوی دیگر، پیوند مقاله با قلمرو علوم قرآنی از طریق بررسی مبانی و دلالت‌های قرآنی مفاهیم برقرار می‌گردد.

مبانی نظری

۱. مفهوم قدرت ملی

قدرت ملی به مجموعه ظرفیت‌های مادی و غیرمادی یک کشور گفته می‌شود که امکان حفظ امنیت، تأمین منافع، تحقق اهداف عمومی، افزایش تاب‌آوری و اثرگذاری آن در محیط داخلی و خارجی را فراهم می‌سازد. در این برداشت، قدرت ملی فقط به توان نظامی، وسعت سرزمین، جمعیت یا منابع طبیعی محدود نیست؛ بلکه از پیوند میان توان اقتصادی، قابلیت علمی و فناوری، ظرفیت

سیاسی و مدیریتی، انسجام اجتماعی، هویت فرهنگی، توان دفاعی و موقعیت جغرافیایی شکل می‌گیرد. بنابراین، قدرت ملی زمانی پایدار است که منابع بالقوه کشور در قالب سیاست‌گذاری، نهادسازی، مشارکت اجتماعی و حل مسائل واقعی به ظرفیت بالفعل تبدیل شوند (ستایش‌منش، ۱۴۰۲). قدرت ملی دارای ابعاد متنوعی است و نمی‌توان آن را به یک مؤلفه، مانند توان نظامی یا رشد اقتصادی، فروکاست. قدرت سخت ناظر بر ظرفیت‌های بازدارندگی، دفاعی، اقتصادی و ابزارهای اعمال فشار است؛ قدرت نرم به توان جذب، اقناع و اثرگذاری از طریق فرهنگ، ارزش‌ها، مشروعیت و تصویر عمومی اشاره دارد؛ و قدرت هوشمند بر ترکیب متناسب و موقعیت‌شناسانه ظرفیت‌های سخت و نرم تأکید می‌کند. باین‌حال، این ابعاد تنها بخشی از قدرت ملی‌اند و قدرت پایدار هنگامی شکل می‌گیرد که توان اقتصادی و دفاعی با سرمایه انسانی، اعتماد عمومی، کارآمدی نهادی، قدرت علمی و انسجام فرهنگی همراه شود (نای، ۲۰۲۱).

۲. مفهوم پیشرفت

پیشرفت مفهومی چندبعدی، غایت‌محور و ارزش‌مدار است که به حرکت جامعه در مسیر ارتقای کیفیت زندگی، گسترش فرصت‌های انسانی، افزایش توان علمی، کاهش محرومیت، تقویت عدالت، بهبود حکمرانی و رشد ظرفیت حل مسائل اشاره دارد. از این‌رو، پیشرفت را نباید با رشد اقتصادی یا توسعه صرفاً مادی یکسان دانست. رشد تولید، افزایش درآمد یا توسعه زیرساخت‌ها در صورتی می‌تواند به پیشرفت منجر شود که با ارتقای کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، اخلاق عمومی، مشارکت مردم، امنیت و دسترسی عادلانه به فرصت‌ها همراه باشد. تحلیل گفتمان سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نیز نشان می‌دهد که پیشرفت در چارچوب بومی، با پیوند میان مبانی اسلامی، ارزش‌های فرهنگی، نیازهای اجتماعی، علم، اقتصاد و سیاست قابل فهم است؛ نه با تقلید از یک الگوی تک‌بعدی توسعه در نسبت با ایران قوی، پیشرفت پایدار به توان جامعه برای تبدیل منابع طبیعی، انسانی، علمی، فرهنگی و اقتصادی به فرصت‌های واقعی و دستاوردهای عمومی اشاره دارد. برخورداری از نیروی انسانی جوان، ذخایر طبیعی، دانشگاه‌ها یا ظرفیت فناورانه، به‌تنهایی نشانه پیشرفت نیست؛ بلکه کیفیت نهادها، سیاست‌ها، سازوکارهای اجرایی، عدالت در توزیع فرصت‌ها و مشارکت مردم تعیین می‌کند که این منابع تا چه اندازه در خدمت حل مسائل جامعه قرار گیرند. بنابراین، میان «داشتن ظرفیت» و «توان بهره‌برداری عادلانه و کارآمد از ظرفیت» تفاوت وجود دارد. در این پژوهش، پیشرفت به‌منزله

یکی از مفاهیم پیونددهنده علم، اقتصاد، عدالت، معنویت، فرهنگ، استقلال و حکمرانی در تحلیل مؤلفه‌های ایران قوی در نظر گرفته می‌شود (علی‌پور و پوررشیدی، ۱۳۹۹).

۳. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به افق تحول اجتماعی و تاریخی‌ای اشاره دارد که در آن ارزش‌های اسلامی با علم، عقلانیت، اخلاق، عدالت، هویت فرهنگی، تولید، نهادسازی و پاسخ‌گویی به نیازهای زمانه پیوند می‌یابد. در این تلقی، تمدن صرفاً به یادگارهای تاریخی، آثار معماری یا افتخارات علمی گذشته جهان اسلام محدود نیست؛ بلکه به توان یک جامعه برای ایجاد و بازتولید نظم اجتماعی، فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی بر پایه ارزش‌ها و نیازهای واقعی خود مربوط می‌شود. بر این مبنا، تمدن‌سازی فرایندی بلندمدت است که به شکل‌گیری انسان مسئول، علم نافع، اقتصاد مولد، نهادهای کارآمد، اخلاق اجتماعی، عدالت و مشارکت عمومی وابسته است. مطالعه عزتی و همکاران نیز تمدن نوین اسلامی را در پیوند با ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری و با تأکید بر انسان‌سازی، جامعه‌پردازی و فراهم‌شدن زمینه‌های تمدنی تبیین می‌کند (عزتی و همکاران، ۱۳۹۹). تمدن نوین اسلامی در پژوهش حاضر، نه یک مؤلفه هم‌عرض با علم، اقتصاد یا حکمرانی، بلکه افقی کلان برای فهم نسبت میان مؤلفه‌های ایران قوی تلقی می‌شود. به بیان دیگر، اگر ایران قوی بر ظرفیت‌های توانمندساز کشور دلالت دارد، تمدن نوین اسلامی می‌تواند جهت‌گیری ارزشی و غایت کلان هماهنگی این ظرفیت‌ها باشد. در این چارچوب، پیشرفت علمی بدون اخلاق، رشد اقتصادی بدون عدالت، اقتدار سیاسی بدون مشارکت مردم و هویت فرهنگی بدون توان حل مسائل جدید، به شکل‌گیری یک نظم تمدنی پایدار منجر نخواهد شد (رهبرشهی، ۱۳۹۸).

۴. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به منابع حاصل از شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل، هنجارهای همکاری، احساس تعلق جمعی و قابلیت کنش مشترک اشاره دارد. این مفهوم نشان می‌دهد توان یک جامعه فقط از مجموع توانایی‌های فردی اعضا تشکیل نمی‌شود، بلکه کیفیت روابط میان شهروندان، گروه‌های اجتماعی و نهادهای عمومی نیز در حل مسائل، تقویت همبستگی و افزایش تاب‌آوری اجتماعی نقش تعیین‌کننده دارد. هرچه اعتماد، مشارکت، مسئولیت‌پذیری و همکاری در جامعه بیشتر باشد، امکان بسیج ظرفیت‌های جمعی برای مواجهه با مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی

افزایش می‌یابد. از این رو، سرمایه اجتماعی را باید یکی از زمینه‌های تبدیل ظرفیت‌های پراکنده انسانی به توان جمعی و ملی دانست. سرمایه اجتماعی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد: سرمایه اجتماعی پیوندی، که ناظر بر حمایت و همبستگی درون‌گروهی است؛ سرمایه اجتماعی پل‌زن، که ارتباط میان گروه‌های اجتماعی متفاوت را تقویت می‌کند؛ و سرمایه اجتماعی ارتباطی یا نهادی، که به رابطه اعتماد، تعامل و پاسخ‌گویی میان شهروندان و نهادهای عمومی مربوط می‌شود. در تحلیل ایران قوی، سطح سوم اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا اعتماد عمومی، پذیرش سیاست‌ها، مشارکت مردم، احساس عدالت، کارآمدی نهادها و انسجام ملی با کیفیت رابطه مردم و ساختارهای عمومی ارتباط دارد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی فقط یک متغیر فرهنگی نیست، بلکه ظرفیتی اجتماعی - نهادی برای پیشرفت، حکمرانی مؤثر و اقتدار ملی به شمار می‌آید (درویشی و همکاران، ۱۴۰۰).

۵. حکمرانی مطلوب

حکمرانی مطلوب به کیفیت اعمال اقتدار عمومی، فرایند تصمیم‌گیری، نحوه اجرای سیاست‌ها و رابطه نهادهای عمومی با شهروندان اشاره دارد. در این رویکرد، حکمرانی صرفاً اداره روزمره امور دولت نیست، بلکه مجموعه‌ای از اصول و سازوکارها، از جمله پاسخ‌گویی، شفافیت، قانون‌مداری، اثربخشی، عدالت، مشارکت، مقابله با فساد و رعایت حقوق عمومی را دربر می‌گیرد. حکمرانی مطلوب زمانی تحقق می‌یابد که نهادهای عمومی بتوانند ضمن برخورداری از ظرفیت اجرایی، به مطالبات جامعه پاسخ دهند، منابع عمومی را عادلانه و کارآمد به کار گیرند و امکان نظارت و مشارکت واقعی مردم را فراهم سازند. از این منظر، حکمرانی یکی از بسترهای اصلی تبدیل ظرفیت‌های علمی، اقتصادی و انسانی به دستاوردهای عینی پیشرفت و اقتدار ملی است (انسل و همکاران، ۲۰۲۱). در الگوی بومی حکمرانی، توجه به شاخص‌های عام حکمرانی مطلوب باید با ارزش‌هایی مانند عدالت اجتماعی، استقلال، اخلاق اداری، مشارکت مردم، هویت اسلامی - ایرانی و صیانت از منافع عمومی همراه شود. در این دیدگاه، حکمرانی صرفاً سازوکاری برای حفظ نظم و اداره امور نیست، بلکه باید زمینه‌ساز رشد انسان، اصلاح امور جامعه، کاهش فساد، تقویت همبستگی و تأمین مصالح عمومی باشد (سلیمان‌فلاح، ۱۴۰۳).

۶. جایگاه جوانان در تحول اجتماعی

جوانان در تحول اجتماعی فقط یک گروه جمعیتی یا مخاطب سیاست‌گذاری‌های رسمی نیستند؛ بلکه می‌توانند کنشگرانی فعال در عرصه‌های علم، فناوری، اقتصاد، فرهنگ، کارآفرینی، مشارکت مدنی و حل مسائل عمومی باشند. توان یادگیری، خلاقیت، نوآوری، انعطاف‌پذیری و آمادگی برای پذیرش ایده‌های جدید، جوانان را به یکی از ظرفیت‌های مهم تحول اجتماعی تبدیل می‌کند. باین‌حال، این توان بالقوه زمانی بالفعل می‌شود که فرصت‌های واقعی برای آموزش باکیفیت، اشتغال شایسته، حضور در عرصه‌های اجتماعی، دسترسی به منابع، تصمیم‌سازی و اثرگذاری فراهم باشد. بنابراین، جوانان هم «پیشران تحول» و هم «ذی‌نفع تحول» هستند و سیاست‌های پیشرفت باید هم نقش‌آفرینی آنان و هم حقوق، نیازها و فرصت‌های رشد آنان را مدنظر قرار دهد (بالارد و همکاران، ۲۰۱۹). مشارکت جوانان زمانی واقعی و مؤثر است که از سطح حضور نمادین، مشورت صوری یا بهره‌برداری ابزاری از انرژی آنان فراتر رود. مشارکت معنادار مستلزم آن است که جوانان بتوانند در فرایند شناخت مسئله، ایده‌پردازی، تصمیم‌سازی، اجرا، ارزیابی و نظارت بر امور عمومی نقش داشته باشند. در گفتمان بیانیه گام دوم انقلاب نیز جوانان به‌عنوان مخاطبان اصلی حرکت آینده و نیروهای فعال در عرصه‌های علم، اقتصاد، معنویت، عدالت‌خواهی و ساختن آینده معرفی می‌شوند. ازاین‌رو، تحلیل جایگاه جوانان در ایران قوی باید آنان را در پیوند با مؤلفه‌های دیگر، از جمله علم، اقتصاد، فرهنگ، مسئولیت اجتماعی، حکمرانی، عدالت و استقلال بررسی کند؛ نه اینکه نقش آنان را به یک مقوله جدا و منفک تقلیل دهد (طالبی و نصیرزاده، ۱۴۰۲).

مؤلفه‌های ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر مبانی قرآنی

۱. علم و پژوهش؛ زمینه‌ساز عزت و اقتدار

بیانیه گام دوم، علم و پژوهش را از مهم‌ترین ابزارهای عزت و قدرت کشور معرفی می‌کند و پیشرفت علمی را یکی از دستاوردها و ضرورت‌های حرکت آینده‌ساز انقلاب می‌داند. در منطق بیانیه، علم نباید در سطح تولید دانش نظری متوقف بماند، بلکه باید در رفع نیازهای کشور، حل مسائل واقعی جامعه، تقویت تولید و کاهش وابستگی نقش‌آفرین باشد. ازاین‌رو، علم در منظومه ایران قوی،

زمینه‌ای برای تبدیل استعداد‌های انسانی به توان حل مسئله و اقتدار ملی است (رهبر شهید، ۱۳۹۷). این نگاه با آموزه‌های قرآنی سازگار است؛ زیرا قرآن کریم میان علم، بصیرت و تعالی انسان پیوند برقرار می‌کند: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ یعنی آگاهان و ناآگاهان یکسان نیستند (زمر: ۹). همچنین، در آیه یازدهم سوره مجادله، رفعت یافتن اهل ایمان و دانش مورد تأکید قرار گرفته است. بنابراین، علم در نگاه قرآنی صرفاً انباشت اطلاعات نیست، بلکه ظرفیتی برای رشد، تشخیص درست، مسئولیت‌پذیری و تعالی فرد و جامعه به شمار می‌رود.

۲. اقتصاد مولد و استقلال اقتصادی

اقتصاد در بیانیه گام دوم تنها به تأمین معیشت مردم محدود نیست، بلکه با تولید، اشتغال، عدالت، مبارزه با فساد، استقلال و عزت ملی پیوند دارد. اقتصاد مطلوب در این منظومه، اقتصادی است که بر توان داخلی تکیه کند، ظرفیت تولید را افزایش دهد، فرصت کار شرافتمندانه ایجاد کند و وابستگی‌های آسیب‌زا را کاهش دهد. از این رو، توان اقتصادی زمانی به مؤلفه ایران قوی تبدیل می‌شود که با تولید، علم، عدالت و سلامت عملکردی همراه باشد (رهبر شهید، ۱۳۹۷). قرآن کریم، آبادانی زمین و بهره‌برداری مسئولانه از ظرفیت‌های آن را مورد توجه قرار داده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا»؛ خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادانی آن را از شما خواست (هود: ۶۱). همچنین، قرآن درباره گردش ثروت هشدار می‌دهد تا امکانات اقتصادی در اختیار گروهی محدود قرار نگیرد: «كَی لَا يَكُونَ دَوْلَةٌ بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷). بر این اساس، اقتصاد در منطق قرآنی با آبادانی، تولید، توزیع عادلانه فرصت‌ها و جلوگیری از تمرکز ثروت ارتباط می‌یابد.

۳. عدالت و مبارزه با فساد؛ رکن استواری جامعه

بیانیه گام دوم، عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد را از آرمان‌ها و ضرورت‌های اساسی انقلاب اسلامی می‌داند. عدالت در این نگاه، به معنای رفع تبعیض، رعایت حقوق عمومی، مقابله با فساد و فراهم کردن زمینه‌های برخورداری عادلانه مردم از فرصت‌هاست. فساد نیز صرفاً یک تخلف اداری نیست؛ زیرا می‌تواند اعتماد عمومی، کارآمدی نهادها، امید اجتماعی و امکان تحقق عدالت را تضعیف کند. بنابراین، جامعه‌ای که عدالت و سلامت اداری در آن تضعیف شود، از دستیابی به اقتدار پایدار نیز بازمی‌ماند (رهبر شهید، ۱۳۹۷). عدالت در قرآن کریم، محور رسالت پیامبران معرفی شده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ هدف از ارسال رسولان و نزول کتاب و

میزان، برپایی قسط در میان مردم است (حدید: ۲۵). همچنین، قرآن فرمان می‌دهد که امانت‌ها به صاحبانشان بازگردانده شود و در میان مردم بر اساس عدالت داوری گردد (نساء: ۵۸). از این رو، عدالت و پاک‌دستی در اداره جامعه، افزون بر کارکرد اجتماعی، دارای مبنای روشن قرآنی است.

۴. معنویت، اخلاق و هویت دینی: جهت‌دهنده پیشرفت

در بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق از مسائل فردی و حاشیه‌ای تلقی نمی‌شوند، بلکه در شمار پایه‌های اصلی پیشرفت و حرکت اجتماعی قرار دارند. معنویت، پیوند انسان با خدا، احساس مسئولیت، امید و مقاومت در برابر دشواری‌ها را تقویت می‌کند و اخلاق نیز بر رفتار فردی، روابط اجتماعی، مدیریت، اقتصاد و سبک زندگی اثر می‌گذارد. بر این مبنا، پیشرفتی که از اخلاق، کرامت انسانی و هویت دینی جدا باشد، با الگوی مطلوب بیانیه سازگار نیست (رهبر شهید، ۱۳۹۷). قرآن کریم، هدف بعثت پیامبر اکرم (ص) را افزون بر تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه انسان‌ها می‌داند: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (جمعه: ۲). بر این اساس، علم و پیشرفت بدون تزکیه و اخلاق، مطلوب نهایی قرآن نیست. ایران قوی در نگاه دینی، صرفاً کشوری برخوردار از ظرفیت‌های مادی نیست، بلکه جامعه‌ای است که قدرت و پیشرفت خود را در چارچوب کرامت، اخلاق، ایمان و مسئولیت انسانی سامان می‌دهد.

۵. استقلال، آزادی و عزت ملی

استقلال و آزادی از مفاهیم بنیادین مورد تأکید در بیانیه گام دوم هستند. استقلال در این چارچوب، به معنای ایستادگی در برابر سلطه‌پذیری و حفظ توان تصمیم‌گیری کشور بر مبنای مصالح و هویت خویش است. آزادی نیز با کرامت انسان، مسئولیت‌پذیری و حضور آگاهانه مردم در سرنوشت اجتماعی خود ارتباط دارد. بنابراین، ایران قوی تنها با افزایش امکانات مادی تعریف نمی‌شود، بلکه با حفظ عزت، اراده مستقل و مصونیت از وابستگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز پیوند دارد (رهبر شهید، ۱۳۹۷). مبنای قرآنی استقلال و نفی سلطه را می‌توان در آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» جست‌وجو کرد (نساء: ۱۴۱). این آیه، پذیرش راه تسلط و سیطره دشمن بر جامعه ایمانی را نفی می‌کند. همچنین، قرآن کریم مؤمنان را به حفظ عزت و پرهیز از سستی فرا می‌خواند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹). در نتیجه، استقلال در منطق قرآنی با عزت، نفی ذلت و حفظ هویت جامعه اسلامی ارتباطی وثیق دارد.

۶. جوانان و مسئولیت آینده‌سازی

بیانیه گام دوم به‌طور خاص جوانان را مخاطب قرار می‌دهد و آنان را امید اصلی کشور و نیروی پیشران حرکت آینده معرفی می‌کند. جوانان در این منظومه، فقط مخاطب سیاست‌گذاری‌ها یا دریافت‌کننده خدمات عمومی نیستند؛ بلکه باید در عرصه‌های علم، نوآوری، اقتصاد، فرهنگ، مدیریت، اخلاق، خودسازی و جامعه‌پردازی نقش‌آفرین باشند. اعتماد به توان جوانان و فراهم آوردن زمینه حضور مؤثر آنان، یکی از لوازم تحقق ایران قوی است (رهبر شهید، ۱۳۹۷). قرآن کریم نیز جوانی را با ایمان، شجاعت، حق‌طلبی و ایستادگی در برابر جریان‌های باطل پیوند می‌دهد. اصحاب کهف در قرآن «فَتَبَيَّنُوا آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» معرفی شده‌اند؛ جوانانی که به پروردگار خود ایمان آوردند و خداوند بر هدایت آنان افزود (کهف: ۱۳). هرچند این آیه مستقیماً ناظر به سیاست‌گذاری برای جوانان نیست، دلالت دارد که جوانان مؤمن و بصیر می‌توانند در شرایط دشوار، حاملان مقاومت، تحول و حفظ هویت دینی باشند.

۷. خودسازی، جامعه‌پردازی و افق تمدن نوین اسلامی

بیانیه گام دوم مسیر آینده انقلاب را در سه گانه «خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» تبیین می‌کند. خودسازی ناظر به پرورش فرد مؤمن، اخلاقی، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از بصیرت است. جامعه‌پردازی به ساخت جامعه‌ای عادلانه، علم‌محور، اخلاقی، مستقل و مردم‌پایه اشاره دارد. تمدن‌سازی نیز افق بلندمدت حرکت انقلاب و ناظر به تحقق تمدن نوین اسلامی است. در این نگاه، ایران قوی مرحله‌ای منفصل از تمدن‌سازی نیست، بلکه زمینه‌ای برای تحقق جامعه‌الگو و حرکت به‌سوی افق تمدنی به شمار می‌رود (رهبر شهید، ۱۳۹۷). قرآن کریم، تغییر وضعیت جامعه را وابسته به تحول درونی انسان‌ها می‌داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). بر این اساس، اصلاح اجتماعی از خودسازی و دگرگونی درونی انسان‌ها جدا نیست. همچنین، آیه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ» (بقره: ۱۴۳) ظرفیت الگوسازی و نقش‌آفرینی امت اسلامی را بیان می‌کند. بنابراین، افق تمدنی در این پژوهش نه به معنای برتری‌جویی مادی، بلکه به معنای شکل‌گیری جامعه‌ای برخوردار از علم، عدالت، اخلاق، معنویت، عزت و مسئولیت جهانی فهم می‌شود.

نسبت مؤلفه‌ها در منظومه ایران قوی

بررسی مضامین بیانیه گام دوم و مبانی قرآنی مرتبط با آن نشان می‌دهد که مؤلفه‌های ایران قوی را نباید جدا از یکدیگر فهم کرد. علم و پژوهش، امکان شناخت، نوآوری و حل مسائل را فراهم می‌سازند؛ اما اگر با اخلاق، مسئولیت و عدالت همراه نشوند، ممکن است در خدمت منافع محدود یا نابرابری‌های اجتماعی قرار گیرند. اقتصاد نیز زمانی به پیشرفت واقعی منتهی می‌شود که با تولید، توزیع عادلانه فرصت‌ها، مبارزه با فساد و استقلال همراه باشد. معنویت و اخلاق در این منظومه، نقش جهت‌دهنده دارند؛ زیرا تعیین می‌کنند علم، اقتصاد، قدرت و مدیریت در چه مسیری به کار گرفته شوند. عدالت و مبارزه با فساد، شرط سلامت روابط اجتماعی و اعتماد مردم‌اند. استقلال و عزت ملی نیز بدون توان علمی، اقتصاد مقاوم، نیروی انسانی کارآمد، انسجام اجتماعی و هویت استوار پایدار نمی‌مانند. جوانان نیز به مثابه نیروی فعال و آینده‌ساز، ظرفیت تبدیل این اصول به حرکت علمی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را فراهم می‌سازند. بر این اساس، ایران قوی در بیانیه گام دوم و در پرتو مبانی قرآنی، مفهومی صرفاً اقتصادی یا نظامی نیست؛ بلکه منظومه‌ای از توانمندی مادی و معنوی است که بر علم، عدالت، اخلاق، استقلال، مسئولیت‌پذیری، مشارکت مردم و نقش‌آفرینی جوانان استوار می‌شود.

نتیجه‌گیری

ایران قوی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مفهومی چندبعدی و منظومه‌ای است. این مفهوم از پیوند میان علم و پژوهش، اقتصاد مولد، عدالت، مبارزه با فساد، معنویت، اخلاق، هویت دینی، استقلال، آزادی، عزت ملی، جوانان و افق تمدنی شکل می‌گیرد. تحلیل قرآنی این مؤلفه‌ها نیز نشان می‌دهد که هر یک از آن‌ها دارای ریشه‌ها و دلالت‌هایی در آموزه‌های قرآن کریم‌اند. علم در قرآن با بصیرت و رفعت انسان پیوند دارد؛ اقتصاد با آبادانی و جلوگیری از تمرکز ثروت؛ عدالت با هدف بعثت انبیا؛ معنویت و اخلاق با تزکیه انسان؛ استقلال با نفی سلطه و حفظ عزت؛ جوانان با ایمان و مقاومت؛ و جامعه‌پردازی با تحول درونی و مسئولیت اجتماعی ارتباط دارد. از این رو، ایران قوی در منطق بیانیه گام دوم و آموزه‌های قرآنی، کشوری است که قدرت و پیشرفت خود را در چارچوب عدالت، اخلاق، معنویت، استقلال و کرامت انسانی دنبال می‌کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.

- امینی سابق، زین‌العابدین؛ ردایی، هادی و ساده، احسان (۱۳۹۸). تبیین نظریه مسئولیت اجتماعی جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی با تأکید بر حکمرانی خوب. مدیریت کسب‌وکار، ۱۱(۴۳)، ۱۳۳-۱۵۷.
- حاجی‌زاده، مهین و آورجه، محی‌الدین (۱۳۹۳). مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قرآن کریم با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان. تفسیر پژوهی، ۱۱(۱)، ۱۲۵-۱۵۵.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷، ۲۲ بهمن). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران [بیانیه]. دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. <https://farsi.khamenei.ir/statement-content?id=41673>
- درویشی، محمدرسول؛ قانلی، محمدرضا؛ کشیشیان سیرکی گارنیه و توحیدفام، محمد (۱۴۰۰). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی با تأکید بر سیاست‌های متولیان فرهنگ و هنر جامعه کنونی ایران. مطالعات هنر اسلامی، ۱۸(۴۳)، ۲۲۰-۲۳۳.
- ره‌نورد، فرج‌الله و عباس‌پور، باقر (۱۳۸۶). حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران. مطالعات مدیریت، ۱۴(۵۵)، ۲۵-۳۸.
- ستایش‌منش، مهدی (۱۴۰۲). بررسی و شناسایی سرچشمه‌های قدرت ملی. جغرافیا و روابط انسانی، ۱۶(۱)، ۱۳۵-۱۴۰.
- سردارنیا، خلیل‌الله و شاکری، حمید (۱۳۹۳). تبیین حکمرانی خوب در نهج‌البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا. مطالعات حقوقی، ۶(۴)، ۲۷-۵۳.
- سلیمان‌فلاح، امیرحسین (۱۴۰۳). شاخص‌های حکمرانی متعالی از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران. در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی اسوه حسنه با محوریت حکمرانی متعالی: چالش‌ها و راهبردها. طالبی، علی و نصیرزاده، حسین (۱۴۰۲). بررسی جایگاه جوانان در حکمرانی مطلوب اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله‌العالی) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد، منتشرنشده].
- <https://civilica.com/doc/2227519>
- عابدینی، بیژن و غفاری‌زنوزی، مهرداد (۱۳۹۵). تأثیر مسئولیت اجتماعی مدیران بر سرمایه انسانی با نقش میانجی اعتماد سازمانی. مطالعات مهندسی صنایع و مدیریت تولید، ۲(۴)، ۸۸-۹۹.
- عزتی، ابراهیم؛ ترابی، محسن و چهاردولی، عباس (۱۳۹۹). مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی). مدیریت اسلامی، ۲۸(۹۶)، ۷۵-۹۶.

علی‌پور، جواد و پورر شیدی، هاتف (۱۳۹۹). تحلیل گفتمان سند اولیه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، ۸ (۲)، ۱۴۰-۱۶۷.